

بررسی نقش هم‌بازی در رشد شخصیت و خلاقیت کودک

پریس گلزار*

افسانه یاوری**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲

چکیده

مقاله پیش‌رو با موضوع «نقش هم‌بازی در رشد شخصیت و خلاقیت کودک» است. در انسان‌شناسی دینی، انسان موجودی دو بعدی و متشکل از روح و جسم است. به دلیل ارتباط تنگاتنگ روح و جسم نقش روح در رشد و تکامل شخصیت انسان و تشکیل هویت اصلی او را نمی‌توان نادیده گرفت. از آنجاکه انسان از دوران کودکی در مرحله رشد جسمانی قرار دارد، هرگونه بی‌توجهی و سهل‌انگاری از سوی والدین یا متولیان امور کودک، در تأمین نیازهای وی، در این مقطع سنی خسارات جبران‌ناپذیری در سرنوشت آینده و رشد طبیعی او به دنبال خواهد داشت. امروزه با ورود فناوری‌هایی از قبیل تلفن همراه، تبلت و غیره در بین کودکان، توجه کمتری نسبت به بازی و تحرکات بدنی و هم‌بازی می‌شود. بازی با همسالان و بزرگ‌ترها در اعتماد به نفس و رفع نیازهای وی و بروز توانایی‌ها و استقلال کودک نقش بسزایی دارد و بی‌توجهی به این مسائل آسیب‌های جدی به کودک و آینده او وارد خواهد کرد. روش تحقیق در این مقاله نقلی – وحيانی و

* دانش‌آموخته مدرسه علمیه سیدالشهدا یزد / parisagolzar78@gmail.com

** دانش‌آموخته مدرسه تخصصی سطح سه سیدالشهدا یزد / ayavary414@gmail.com

روش گردآوری آن، کتابخانه‌ای و روش پردازش اطلاعات، توصیفی است. دستاورد این پژوهش این است که رشد شخصیت و خلاقیت کودک ارتباط بسیاری با لزوم داشتن هم‌بازی و برقراری تعاملات اجتماعی دارد، به طوری که عدم توجه به این امر سبب اختلال شخصیتی و ناسازگاری فرد در آینده خواهد داشت.

کلیدواژه: هم‌بازی، رشد، شخصیت، خلاقیت، کودک، بازی



مقدمه

دوره کودکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین دوران زندگی انسان است که اگر والدین و متولیان امور نقش خود را به خوبی ایفا کنند زمینه رشد اجتماعی و شخصیتی کودک را فراهم خواهند کرد. یکی از اموری که به طور فطری و غریزی در کودکان وجود دارد، بازی است که از عوامل اصلی رشد آنها محسوب می‌شود. از آنجاکه بازی کودکان با فعالیت بدنی همراه است، ارتباط نزدیکی با رشد و تربیت اندام وی و مهارت‌های جنبشی مناسب و آمادگی بدن دارد و این بازی اگر در مسیر درست خود قرار گیرد و همراه با هم‌بازی اعم از همسالان و بزرگ‌ترها باشد، زمینه اعتماد به نفس و رشد اجتماعی و شناختی و آموزش حل مسئله و غیره را برای او فراهم می‌کند.

بنابراین، ضرورت دارد به این مرحله حساس زندگی و هم‌بازی مناسب برای کودک توجه ویژه‌ای شود. در دنیای امروز که والدین در تلاش برای برقراری تعادل بین زندگی روزمره و شغل خود هستند، به سختی می‌توانند زمان قابل قبولی برای فرزندان خود بگذارند. همچنین زنان به سبب ایفای نقش اجتماعی خود در جامعه، دوشادوش مردان در محیط‌های اجتماعی مشغول کار هستند. حمایت‌نشدن زنان در ایفای نقش مادری در خانواده و مسائل و مشکلات اقتصادی از جمله عواملی است که موجب کاهش زادآوری و بالطبع روآوردن به تک‌فرزندی از سوی خانواده می‌شود و همین نبود خواهر و برادر و به عبارتی، نبود هم‌بازی برای کودک و عدم وقت لازم از سوی والدین برای بازی کردن با کودک، خانواده را از جهات دیگری دچار مشکلات عدیده‌ای نظیر عدم رشد شناختی و مهارتی و رفتاری کودک می‌کند.





بنابراین، باتوجه به درهم تنیدگی زندگی و بازی کودکان و نیاز به هم بازی لازم است این موضوع به صورت تفصیل مورد بررسی قرار گیرد. در بحث بازی و تأثیرات آن کتب و مقالات متعددی نوشته شده که در ذیل به چند مورد آن اشاره می شود، اما تحت این عنوان کتاب و مقاله ای دیده نشده و این مقاله از این جهت کارنوینی محسوب می شود:

- آذر امیری میجانی، «نقش بازی در رشد همه جانبه کودکان و تسریع در یادگیری و تقویت حافظه آنها»، کنفرانس بین المللی آینده پژوهی، علوم انسانی و توسعه، سال ۱۳۹۴.

- صدیقه ناظمیان، عباس دوستی، «نقش همسالان در هویت و فرایند هویت یابی کودکان از دیدگاه دانشجو و معلمان»، همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی در دوره پیش دبستانی، سال ۱۳۹۷.

- طهمورث آقاجانی، رشید جبارف، مصطفی مشفق «تأثیر بازی بر مهارت های اجتماعی کودکان»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۱۳۹۳.

در این مقاله درصدد پاسخگویی به این سؤال هستیم که هم بازی شدن با کودک چه تأثیری در رشد شخصیت و اخلاقیت او دارد؟ هدف این پژوهش، تبیین این موضوع است تا سطح آگاهی والدین، نسبت به نقش و تأثیرات هم بازی شدن با کودک، افزایش یابد.

مفهوم شناسی پژوهش

هم بازی: شریک بودن، هم بازی بودن، انباز (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۸۳۴)،



همتایی، انبازی (معین، ۱۳۸۶، ص ۱۷۲۱). در اصطلاح: دو کودک که با یکدیگر بازی می‌کنند، یا دو حریف که شطرنج یا قمار بازند (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۸۳۵)، کسی که با شخص یا اشخاصی دیگر بازی می‌کند یا هنرپیشه‌ای که با هنرپیشه دیگر در فیلم یا نمایشنامه‌ای بازی می‌کند (معین، ۱۳۸۶، ص ۱۷۲۲). رشد: به راه شدن (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۷۶)، راه راست یافتن (غیاث الدین، ۱۳۸۸، ص ۵۲)، هدایت شدن، نمو پیدا کردن، (معین، ۱۳۸۶، ص ۱۷۰)، از گمراهی در آمدن و ایستادگی در راه راست (عمید، ۱۳۷۵، ص ۱۶۲). در اصطلاح: در ذیل واژه رشد معانی متعددی به کار رفته است. از جمله آنها تغییرات مختلف در ساختار بدنی، عصبی، رفتار و نشانه‌های ویژه فرد که تا حدی ثبات دارند (ماسن و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۱). همچنین به معنای یک سلسله تغییرات پی‌درپی برای رسیدن به هدف واحدی است (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۲، ص ۱۸). رشد و نمو به تغییرات پی‌درپی و منظمی گفته می‌شود که از زمان تولد تا مرگ اتفاق می‌افتد که در ابعاد گوناگون به وجود می‌آید و دارای الگو و نظم خاصی است (www.abadis.ir). در جای دیگر گفته شده که رشد در بُعد رسش و یادگیری انجام می‌گیرد. در بُعد رسش، فرایندی مرحله‌ای اما پیوسته است که شامل هشت دوره: نوباوگی، نوپایی، کودکی، نوجوانی، بزرگسالی، میان‌سالی و پیری بخش‌پذیر است. در بُعد یادگیری و آموزش‌های منطبق بر دوره‌های رسش کل‌گراست و در هر دوره‌ای از رسیدن به بلوغ جسمانی مراحل از بعد روانی را طی می‌کند (www.fa.wikipedia.org).

شخصیت: شرافت و رفعت و مرتبه (دهخدا، ۱۳۷۶، ص ۲۱۱)، ذات هر شخص (عمید، ۱۳۷۵، ص ۲۰۱). در اصطلاح، شخصیت بخشی از همان



چیزی است که افراد را از یکدیگر متمایز می‌کند. در طول تاریخ بشر نظریه‌های مختلفی در رابطه با شخصیت بیان شده است که مطالعات جدید عمده‌تاً گرایش تجربی بودن دارند و کمتر مبنی بر نظریه‌های کلی هستند. امروزه ویژگی‌های شخصیتی معمولاً به عنوان محصولی از عوامل ژنتیکی و اکتسابی در نظر گرفته می‌شود (www.wikijoo.ir). اما از جمع‌بندی همه تعاریفی که مربوط به شخصیت است، می‌توان این تعریف را ارائه کرد که: شخصیت عبارت است از: مجموعه ویژگی‌های جسمی، روانی و فردی که هر فرد را از فرد دیگر متمایز می‌کند (کریمی، ۱۳۸۵، ص ۱۰).

خلاقیت: خلق کردن، آفریدن، به وجود آوردن (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۵۵).
در اصطلاح: خلاقیت را شاید بتوان برترین سطح یادگیری بشر، بالاترین توانمندی تفکر و محصول نهایی ذهن خواند. در مورد خلاقیت نظرات زیادی مطرح است که در همه آنها وجوه مشترکی دیده می‌شود، از جمله اینکه: خلاقیت یک فرایند فکری روانی است یا اینکه یک توانایی عمومی است که در همه افراد کمابیش وجود دارد، قابل پرورش است و با محیط اجتماعی ارتباط مستقیم دارد (سلیمانی، ۱۳۸۴، ص ۱۶ و ۱۷). همچنین گفته شده که خلاقیت یک فرایند ذهنی است که از یک فرد معین در مدت زمان مشخص دیده می‌شود. فرایندی که در نتیجه آن یک اثر جدید اعم از ایده یا چیزی متفاوت و نو تولید می‌شود که می‌تواند کلامی یا غیرکلامی یا عینی یا ذهنی باشد (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص ۴۰۹).

کودک: کوچک، صغیر، طفل (معین، ۱۳۸۶، ص ۲۲۰۷). در اصطلاح، فرزند انسان از زمان تولد تا بلوغ، کودک یا صغیر گفته می‌شود. گاهی کودک



ممیز است، گاهی بالغ می‌شود و گاهی محجور می‌گردد که در هریک از این موارد برای وی از طرف شارع احکامی تشریع شده است (Wikifeqh.ir).

بازی: در زبان فارسی به معنای فعالیتی است که معمولاً برای سرگرمی و تفریح انجام می‌شود (انوری، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۷۷۱). در زبان عربی معادل کلمه بازی، لعب است که منظور از آن کاری است که بدون انگیزه صحیح (همان، واژه شعب) و معنای مشترک آن، فایده نبودن از کاری و نداشتن هدف و انگیزه‌ای دینی یا دنیوی از انجام آن خواه از کودک صادر شود یا دیوانه و یا بزرگسال و عاقل (مشکینی، ۱۳۹۳، ص ۴۵۶).

امروزه با پیشرفت‌های شگرفی که علم و تکنولوژی داشته‌اند، بسیاری از تعاملات و ارتباطات حضوری افراد کم‌رنگ شده است و به سمت فناوری‌های جدید از جمله فضاهای مجازی روی آورده‌اند. همین امر به تبع دلیل بسیاری از تنهایی‌ها و عدم تعاملات در کودکان نیز می‌باشد.

نیاز به تعامل، یکی از نیازهای اساسی بشر است که از دیرباز تاکنون همواره به فکر برطرف کردن این مهم بوده است؛ چرا که این نیاز همانند بسیاری از نیازهای ضروری دیگر از جمله خوراک، پوشاک و مسکن برای او قابل اهمیت است و کودکان هم از این امر مستثنا نیستند. یکی از جلوه‌های تعامل کودکان، بازی کردن است. بازی نقش حیاتی در سنین اولیه کودکی ایفا می‌کند و تأثیرات بسزایی در رشد همه‌جانبه او دارد.

کودک به وسیله بازی، چه بازی با اسباب‌بازی‌های متنوع چه بازی با همسالان و غیره به نوعی با محیط اطراف خود تعامل برقرار می‌کند و همین مسئله در یادگیری اجتماعی او اثر می‌گذارد؛ بنابراین شایسته است که در ابتدای امر به بیان



تفصیلی از لزوم تعامل و بازی پرداخته و سپس، مباحث دیگر بیان شود.

۱. لزوم تعامل و نیاز به بازی

بر اساس مطالعات روان‌شناختی، دوران کودکی، سنگ‌بنای رشد و تربیت کودک در ابعاد مختلف شخصیتی و زیستی وی به شمار می‌آید. اهتمام معارف دینی به رشد همه‌جانبه کودک، مباحث گسترده‌ای را در حوزه تربیت جسمانی و سایر ابعاد روانی و شخصیتی کودکان به دنبال داشته است. کودکان علاوه بر نیاز به محبت و شخصیت و حس استقلال و بسیاری موارد دیگر، نیاز به تعاملات اجتماعی و بازی دارند. تحرکات بدنی، یکی از نیازهای اصلی دوران کودکی و پیش‌نیازهای رشد جسمی و شخصیتی کودکان به شمار می‌آید. برپایه همین نیاز طبیعی، کودکان به طور فطری و غریزی به بازی‌ها و تحرک جسمی علاقه‌مند هستند.

فعالیت‌های بدنی و تفریحات سالم در قالب بازی و ورزش، افزون بر رشد جسمی بر رشد شخصیت روانی - عاطفی کودک نیز مؤثر است؛ به این معنا که اگر این فعالیت‌ها هوشمندانه سازماندهی شود، در ایجاد رفتارهای شایسته، جامعه‌پذیری، همگرایی و شادابی و غیره نقش دارد و بخش قابل‌توجهی از یادگیری‌های کودکان در چارچوب روابط با دیگران، به‌ویژه همسن و سالان شکل می‌گیرد. از این رو، بودن با همسالان بسیار ضرورت دارد و آموزه‌های دینی که بر رشد متوازن شخصیت کودک توجه دارد، به فعالیت‌های بدنی کودکان نظیر بازی و ورزش اهمیت داده است. به فرموده پیامبر اکرم ﷺ «عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صَغَرِهِ زِيَادَةُ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ»؛ بازیگوشی خردسالان در کودکی باعث



افزایش هوش در بزرگسالی می‌شود (پاینده، ۱۳۶۲، ص ۵۶۴).

امام کاظم علیه السلام نیز می‌فرمایند: «تُسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صَغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ»؛ سزاوار است فرزند در کودکی شلوغ و پرتحرک باشد تا در بزرگی صبور و بردبار شود (کلینی، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۵۱).

متأسفانه در عصر کنونی با کاهش تعداد فرزندان در خانواده و روی آوردن به تک‌فرزندی این نیاز نادیده گرفته شده است و با اینکه کودکان در این دوره احتیاج دارند دست‌کم روزی دو ساعت با همسالان تعامل داشته باشند؛ مشکلات متعددی را برای خانواده در زمینه تربیت فرزندان به دنبال داشته است.

هم‌اکنون راه‌حل‌های مختلفی برای جبران این نیاز فطری و غریزی کودک از سوی مشاورین پیشنهاد می‌شود، از جمله فرستادن کودک به مهدها و تعامل با همسالان و در مرحله بعد، رفتن به پیش دبستانی و یا همکاری والدینی که در همسایگی یکدیگرند برای بازی کردن کودکان با نظارت والدین در داخل یا بیرون از خانه. همچنین زمان بهینه برای آموزش مهارت‌های اجتماعی، مانند مهارت‌های برقراری ارتباط مؤثر در دوست‌یابی و حفظ دوستی، همدلی، جرئت‌مندی، قانونمندی، صلح، قدردانی، بخشندگی و بخشایشگری در سنین سه تا شش سالگی است که بخشی از این مهارت‌ها را کودکان در تعامل با همسالان، بخشی را از مشاهده و تقلید رفتار بزرگسالان، بخشی دیگر را از آموزش‌های مستقیم والدین و بخشی را از مربیان در کلاس‌های مهد می‌آموزند (صالحی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۹ و ۱۲۰).

انواع بازی:

بازی و تمرین بدنی در یک تقسیم‌بندی کلی به سه قسم زیر قابل تقسیم است:



۱. بازی انفرادی؛ ۲. بازی با همسالان؛ ۳. بازی با والدین؛ هرکدام از این بازی‌ها بخشی از نیازهای کودک را ارضا می‌کنند که هر بازی خواص خاص خود را دارد. همان‌طور که بازی کودک با اسباب‌بازی‌هایش جای بازی همسالان را نمی‌گیرد، بازی با همسالان نیز جای بازی با والدین را نمی‌گیرد.

الف: بازی‌های انفرادی که به صورت فردی انجام می‌پذیرد؛ مانند حرکات ورزشی و نرمش یا بازی با اسباب‌بازی یا وسایل اطراف، به رشد مهارت‌های مختلفی مانند مهارت‌های دستی، هوش، حافظه، استدلال، تجسم فضایی و مهارت‌های حرکتی مانند: بدو، بدو کردن، کامل کردن پازل، نقاشی کردن، پریدن، خمیربازی و ردیف کردن یا چیدن اسباب‌بازی روی هم کمک می‌کند.

ب: بازی با همسالان، که به صورت دوطرفه یا گروهی انجام می‌پذیرد، به رشد مهارت‌های اجتماعی و هیجانی و انتقال مفاهیم اجتماعی مانند مهارت همدلی، مهارت خود مهارگری، هوش هیجانی، حل تعارضات، دوست‌یابی، ایجاد و حفظ ارتباط، رعایت نوبت، رعایت قانون و عدالت، مسئولیت‌پذیری، انجام کار مشترک کمک می‌کند. هرچند آموزش‌های مستقیم بزرگسالان در یادگیری این مهارت‌ها و مفاهیم مؤثر است، اما هیچ ابزاری مؤثرتر از بازی نمی‌تواند در عملیاتی ساختن این آموزش‌ها و انتقال مفاهیم در زندگی واقعی کودک کمک کند و همان‌طور که گفته شد، با نظارت هوشمندانه بزرگ‌ترها اعم از والدین و مربیان، این امر محقق می‌شود و اگر آموزش‌های کلامی آنها با بازی تکمیل شود، اثرگذار خواهد بود. کودکان با هدایت و نظارت بزرگسالان در بازی و تعامل با همسالان، آموزش‌ها را با یکدیگر تمرین می‌کنند. مثلاً: ابتدا مربی مفهوم قانون و رعایت کردن آن را به کودکان آموزش می‌دهد، سپس از آنها می‌-



خواهد یک بازی را شروع کنند؛ برای بازی آنها یک یا دو قانون داشته می‌گذارد یا از آنها می‌خواهد قانونی را در نظر بگیرند و کودکان به یکدیگر در طول بازی به سبب نقض قوانین تذکر می‌دهند.

ج: بازی با والدین یا بزرگ‌ترها موجب می‌شود کودک احترام به آنها و بردباری و افزایش صبر را بیاموزد و در عین حال، حرف‌شنوی بیشتری پیدا کند. بازی والد-کودک یا بزرگ‌ترها با کودک نیازهای مختلف او را تأمین می‌کند که مهم‌ترین آن شکل‌گیری کانال ارتباطی و تعامل میان آنهاست. برای اینکه یک ارتباط شکل بگیرد به چهار مؤلفه احتیاج است:

۱. پیام؛ ۲. پیام‌دهنده؛ ۳. پیام‌برنده؛ ۴. ابزار انتقال پیام.

برای اینکه کودکان پیام‌های تربیتی تولیدشده والدین را بگیرند و به آنها عمل کنند، نیاز به ابزاری برای رسیدن پیام است که مهم‌ترین ابزار، بازی است. هر فردی بخواهد با کودک ارتباط مناسب برقرار کند، باید ابتدا نیاز کودک به بازی با بزرگسالان را ارضا کند (همان، ص ۱۰۰ - ۱۰۲). البته لازم به ذکر است که هرکدام از این بازی‌ها، باید به اندازه لازم باشد و افراط در هر گروه، شخصیت و رشد اجتماعی کودک را مختل می‌کند و موجب می‌شود که کودک دنیای کودکانه خود را فراموش کند.

در اسلام به خوبی به این نیاز، اهداف و آثار آن توجه شده است. هرچند به طور کلی موضوع لهو و لعب؛ یعنی بیهودگی و بازی کردن به معنای سرگرمی و وقت‌گذرانی در اسلام ممنوع است؛ زیرا از نظر قرآن و روایات فرد مسلمان نباید اوقات خود را در امور بیهوده و حرام صرف کند. باین همه در خصوص کودکان اعتقاد بر این است که بازی با آنها لازم و ضروری است و نباید کودک را از آن محروم کرد. قرآن کریم می‌فرماید: «أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَع وَيَلْعَب وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»؛ برادران



یوسف به پدر گفتند: اجازه بده او را برای تفریح و بازی همراه خود ببریم. (یوسف: ۱۲). از این آیه استفاده می‌شود که کودکان، نیازمند تفریح و بازی هستند و این قوی‌ترین منطقی بود که حضرت یعقوب را در برابر فرزندان خود برای همراهی حضرت یوسف تسلیم کرد.

همچنین پیامبر ﷺ فرمودند: «لَاعِبِ اَيْنِكَ سَبْعًا وَاَذْبُهُ سَبْعًا وَصَاحِبُهُ سَبْعًا ثُمَّ اَتْرُكْ لَهُ الْحَبْلَ عَلَى الْغَارِبِ»؛ هفت سال با فرزندت بازی کن و هفت سال در تربیت او بکوش و هفت سال با او همراه باش، آنگاه وی را به حال خود واگذار (کلینی، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۴۵). در حدیث دیگری پیامبر ﷺ فرمودند: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَهُ»؛ اگر کسی دارای طفل خردسال است باید با او در جنبش‌های کودکانه و حالت‌های بچه‌گانه همراهی کند (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۴۸۳). امام صادق (ع) در حدیثی دیگر فرمودند: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ»؛ بگذار فرزندت تا هفت سال بازی کند، پس از آن در تربیت او کوشش کن (الحرالعاملی، ۱۴۱۴.ه.ق، ج ۲۱، ص ۴۷۳).

در سیره پیامبر ﷺ نیز بسیار مشاهده شده که آن حضرت در امر بازی با کودکان اهتمام داشته‌اند. جابر بن عبد الله / انصاری نقل می‌کند: «روزی به خانه رسول خدا رفتم و دیدم که حسن و حسین بر پشت آن حضرت سوار هستند و پیامبر برای آنان زانوزده و خم شده است و می‌فرماید: چه خوب شتری است شتر شما و چه بارهای خوبی هستید شما (مجلسی، ۱۴۱۴.ه.ق، ج ۴۳، ص ۲۸۵).

البته این نکته حایز اهمیت است که با متغیر بودن فهم عرف به لحاظ



زمان و مکان، در مواردی مانند سبک زندگی امروزی که فرهنگ شهرنشینی از فعالیت‌های بدنی افراد کاسته است، اگر خانواده زمینه فعالیت بدنی و بازی کودک را از همان اوان کودکی فراهم نکند، در سنین بالاتر با امراض جسمانی متعدد روبرو می‌شود و این اقدامات پیشگیرانه از سوی والدین یا بزرگ‌ترها، حکم الزامی وجوبی دارد. نتیجه آنکه با نظارت صحیح، بازی کودک به‌ویژه با همسالان به رشد جسمی و عقلانی و روانی و عاطفی کمک می‌کند.

۲- هم‌بازی و تأثیرات آنها

در قسمت قبل، به ضرورت بازی و نقش آن در رشد شخصیت کودک پرداخته شد؛ اما آنچه در کنار بازی نقش اساسی و کلیدی دارد، داشتن هم‌بازی است که آن هم در شکل‌گیری شخصیت، رفتار اجتماعی و نحوه نگرش‌های کودک تأثیرگذار است، لذا در این بخش پیش از هر چیز باید به مراحل انتخاب هم‌بازی و هم‌بازی‌هایی که برای کودک وجود دارد، بپردازیم:

۲-۱- مراحل انتخاب هم‌بازی

برای همه بچه‌ها در سنین مختلف فرصت‌هایی فراهم می‌شود تا با دیگر همسالان خود تعامل برقرار کنند؛ اما اگر این فرصت‌ها استفاده نشود در برخوردهای اجتماعی آینده دچار مشکل می‌شوند. بنابراین، باید در هر مرحله از سنین کودکی مهارت‌هایی به آموزش داده شود تا بتواند در آینده خود را مدیریت کند و رفتار مناسبی در برخوردهای اجتماعی داشته باشد. اگر دوران کودکی را از دوران نونهالی لحاظ کنیم، در یک تقسیم‌بندی می‌توان هفت مرحله برای آن در نظر بگیریم:



الف: کودک شش تا هشت ماهه، بیشتر با محیط اطرافش سروکار دارد تا اسباب بازی یا هم بازی هایش. در این دوره معمولاً به کودکان دیگر توجه نمی‌شود. هنگامی که تماس با کودک دیگر به وجود می‌آید، اگر این تماس دوستانه باشد، چیزی بیش از لبخند زدن، یا احتمالاً گرفتن دست کودک دیگر دیده نمی‌شود و وقتی برخورد پر خاش جویانه‌ای به وجود آید، بیشتر به صورت کلی ظاهر می‌شود که ممکن است به شکل گریه یا تلاش در گرفتن اسباب بازی از دیگری بروز کند.

ب: از نه تا سیزده ماهگی، کودک بیشتر به اسباب بازی توجه دارد تا هم بازی؛ از آنجاکه کودکان در این دوره، به اسباب بازی اهمیت زیادی می‌دهند، گرایش به دعوا بر سر آنها با کودکان دیگر دارند. برخلاف مشاجرات قبلی، دعوا شخصی‌تر می‌شود، هر چند باز هم اسباب بازی بیش از هم بازی، مرکز توجه است؛ یعنی هنوز خصومت و ناراحتی واقعی به میان نیامده است (بیابان گرد، ۱۳۹۰، ص ۵۸ و ۵۹). کودکان در نیمه دوم زندگی در دوره کوتاهی در حضور کودکان نا آشنا قدری شرمگین می‌شوند. ناراحتی در حضور کودک غریبه که دوران آن کوتاه است همان غریبی کردن است که کودکان هشت ماهه به هنگام روبروشدن با بزرگسالان از خود نشان می‌دهند (ماست و دیگران، و ترجمه: یاسایی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۸). معمولاً کودکان کوچک‌تر تمایل دارند به اینکه، تنهایی بازی کنند و هنگامی که با اسباب بازی‌های خود مشغول هستند، نظارت شخصی بزرگسالان که آنان را دوست دارد، برایشان لذت‌آور است.

ج: کودکان بین سنین چهارده تا هجده ماهگی، نوع تلقی خود را نسبت به



هم‌بازی‌ها تغییر می‌دهند و چون نیازهای مربوط به اسباب‌بازی تا حدود زیادی ارضا می‌شوند، مشاجرات با دیگران نیز کاهش می‌یابد.

د: برای کودکان نوزده تا بیست و پنج ماهه، اسباب‌بازی‌ها و هم‌بازی‌ها اهمیت بیشتری یافته، ارتباط اجتماعی بیشتری شود. کودکان برای انطباق با وضع هم‌بازی‌شان رفتار خویش را تغییر می‌دهند.

ه: کودکان دوتا سه ساله، معمولاً دوست دارند که در نزدیکی یکدیگر بازی کرده و هرکدام با اسباب‌بازی‌ها و کارهای خودشان مشغول باشند، در حقیقت تمایل دارند که به تنهایی و در میان جمع کودکان بازی کنند. در این مرحله (دوتا سه سالگی) تمایلی به سهیم کردن دیگران در اسباب‌بازی‌هایشان را ندارند، چون هنوز مفاهیم قرض دادن و حس مالکیت در آنان به خوبی شکل نگرفته و از طرف دیگر می‌ترسند که اسباب‌بازی‌هایشان توسط دیگران شکسته و یا خراب شود و از طرفی با مفهوم ارزش مشارکت آشنا نیستند (www.magpayvand.ir).

و: کودک چهار ساله، دلش می‌خواهد با دیگران معاشرت کند، ولی هنوز آماده نیست مشکلاتی را که بین او و هم‌بازی او ایجاد می‌شود حل کند و حتماً باید بزرگ‌ترها در این مورد دخالت کنند. کودکان چهار ساله بیشتر مایل‌اند با همسالان خود بازی کنند. آنها به گفتگوهای دور و درازی می‌پردازند و نقشه‌های طولانی می‌کشند و اغلب بین آنها نزاع در می‌گیرد و آخر کار خود را حق به جانب حساب می‌کنند (سره، ۱۳۷۲، ص ۸۲). آری! اگر قرار باشد کودک فردی مستقل و دارای انگیزه‌های شخصی باشد، نباید همیشه با تمام آدم‌های اطرافش موافق باشد، اختلاف نظر بخش طبیعی در زندگی است.

ز: کودک از پنج و شش سالگی به بعد، می‌تواند هم‌بازی مناسبی برای خود پیدا



کند. در ابتدای این مرحله کودک معمولاً ستیزه‌جو و به هنگام بازی خودخواه هست، اما نباید اجازه داد این صفات جزء خلق و خوی دائمی او شود. به تدریج لازم است که راه و روش سلوک و سازش با بچه‌های دیگر را یاد بگیرد. آنها وقتی با همدیگر بازی می‌کنند، با یکدیگر صحبت می‌کنند و اغلب به کمک هم، بازی را ادامه می‌دهند. آنها با کارهای مشترکی که انجام می‌دهند تجاربی را از یکدیگر آموخته و فواید همکاری و کارهای مشترک را درک می‌کنند (همان، ص ۸۲).

۲-۲- هم‌بازی‌های کودک

کودک برای بازی کردن، هم‌بازی‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد، از جمله:

الف) همسالان

هم‌بازی‌های کودک در این بخش شامل خواهر و برادران در درون خانواده و یا کودکان دیگر است. اولین وسیله ایجاد ارتباط با همسالان، بازی با سایر کودکان است. تا قبل از دوسالگی این نوع بازی زیاد تکرار نمی‌شود. در دوران نوپایی، بازی کودکان از واکنش‌های حسی حرکتی مانند: دویدن به اطراف یا چکش زدن، به سمت بازی‌های نمادی مثل: تظاهر به ماشین‌سواری یا عوض کردن کهنه عروسک تغییر می‌کند. در این دوران، نوپایان به اشیاء و اسباب‌بازی‌های دوروبر خود بیشتر علاقه نشان می‌دهند تا به سایر کودکان. البته گاهی به سمت هم می‌روند به یکدیگر لب‌خند می‌زنند، یکدیگر را لمس



می‌کنند. موه‌های یکدیگر را می‌کشند و یا اسباب‌بازی‌هایشان را با هم عوض می‌کنند.

بعد از دوسالگی، همسالان بخش مهمی از زندگی اجتماعی کودک را تشکیل می‌دهند. کنش متقابل بین کودکان افزایش می‌یابد و روابط بهتری می‌شود. بسیاری از کودکان آغازگر بازی می‌شوند، همکاری می‌کنند و نوبت را رعایت می‌کنند. به‌طور کلی بازی است که کودکان را به یکدیگر نزدیک می‌کند و زمینه‌ای برای شکل‌گیری و برقراری روابط اجتماعی از جمله دوست‌یابی (ماسن و دیگران، ترجمه: یاسایی، ۱۳۹۰، ص ۴۷۶). همسالان به‌طور منحصربه‌فرد و عمده‌ای در شکل‌دادن شخصیت، رفتار اجتماعی، ارزش‌ها و نگرش‌های یکدیگر سهم دارند. کودکان با سرمشق‌قراردادن خود، تقویت یا پاداش رفتار و تفسیر رفتار در یکدیگر نفوذ می‌کنند. جهان همسالان خورده فرهنگی است که از راه‌های مختلف تحت تأثیر فرهنگ بزرگ‌تر قرار می‌گیرد و در عین حال تاریخچه و سازمان اجتماعی خود را دارد و به‌طرقی آداب و رسوم خود را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند. عمده درک کودک از رفتار اجتماعی و چگونگی برقراری ارتباط با دیگران از طریق همسالان و نه بزرگسالان به‌او منتقل می‌شود.

گروه همسالان به کودکان مهارت‌های اجتماعی مهم را به روشی می‌آموزد که آموختن آن از طریق بزرگسالان ممکن نیست از جمله آنها؛ چگونه با همسالان کنش متقابل داشته باشند، چگونه با رهبر ارتباط داشته باشند، چگونه با خصومت و تسلط‌جویی برخورد کنند. در سال‌های بعدی دوران کودکی، همسالان به یکدیگر در حل مسائل شخصی و اضطراب‌ها کمک می‌کنند، در میان گذاشتن مشکلات، تضادها و احساسات پیچیده به آنان احساس اطمینان خاطر می‌دهد. برای مثال،



همین که کودکان می‌فهمند که همسن و سال‌های آنان نیز با والدینشان مشکلاتی دارند، احساس تنش و گناه در آنها کمتر می‌شود (همان، ص ۶۹۸). از نظر اسلام، دوستان و همسالان در سنین مختلف تأثیر بسزایی بر یکدیگر می‌گذارند. دوستان شایسته موجب بروز و ظهور استعداد های فردی کودک می‌شوند و در مقابل همسالان ناشایست (از نظر اخلاقی، هوشی، تحصیلی و ...) ناهنجاری های اخلاقی، روانی و اجتماعی را به ارمغان می‌آورند. به همین دلیل، در آیات و احادیث اسلامی سفارش های زیادی در زمینه انتخاب دوست و مراقبت از همنشینی با همسالان به چشم می‌خورد. گاهی برگزینش دوست خوب تأکید شده و دوستی با افراد ناصالح مورد نهی قرار گرفته است.

در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا * يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا»؛ روز قیامت روزی است که ستمکار دست‌های خود را به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با پیامبر راهی پیش می‌گرفتم، ای وای بر من! ای کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودم. همانا من را از قرآن پس از آنکه برای من آمده بود، دور ساخت (فرقان: ۲۸-۲۷).

همچنین پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز روایتی فرموده‌اند: «مَثَلُ هَمْنَشِينٍ صَالِحٍ مَثَلُ عِطْرٍ فُروِشٍ اسْتِ که اگر تورا از عطر خود بهره‌مند نسازد، دست کم رایحه‌ای خوش آن را نصیب خود خواهد کرد، و مَثَلُ هَمْنَشِينٍ بَدِّ مَثَلُ كُورِهِ آتَشٍ اسْتِ که اگر تورا نسوزاند، از گرمای خود به تو خواهد بخشید.» همچنین ایشان فرمودند: «هرکس پیرو دین دوست خود است، پس مراقب باشید که چه دوستی را برای خود برمی‌گزینید» (متقی هندی، ۱۴۱۳.ق،، ح ۲۴۷۳۶ و ح

(ب) خواهران و برادران

به جز تک فرزندها و فرزندان اول که آنان هم تنها برای مدتی فاقد خواهر یا برادر هستند، سایر کودکان در خانواده ای متولد می شوند که در آن از پیش حداقل یک خواهر یا برادر دیگر وجود دارد؛ بنابراین یکی از جنبه های مهم رشد شخصیت و خلاقیت در کودکان، یادگیری کنار آمدن با خواهران و برادران خود و بازی با آنها است. کودکان شش ماهه شروع به تعامل با خواهران و برادران خود می کنند و وقتی که دوساله می شوند، بیشتر وقت خود را با آنان می گذرانند.

هنگامی که کودکان خردسال به سه سالگی می رسند، به انجام بازی های مشترک با خواهر یا برادر خود می پردازند و از بودن با هم لذت می برند. آنان سعی می کنند به یکدیگر کمک کنند و در مواقع ناراحتی به دلجویی از یکدیگر بپردازند. در چهار تا شش سالگی، میزان وقتی که هر کودک با خواهران و برادران خود صرف می کند به دوبرابری مقدار وقتی می رسد که با والدین صرف می کند. حضور خواهران و برادران در خانه سبب می شود تا کودکان به غیر از والدین، الگوهای دیگری برای تقلید و یادگیری امور داشته باشند. آنان رفتارهای این الگوها را بسیار نزدیک تر به رفتارهای خود می یابند و بنابراین آنان را سرمشق های بهتری به حساب می آورند. بیشتر خواهران و برادران با یکدیگر مهربان اند و رفتارهای دوستانه ای دارند، این امر سبب شده است تا پژوهشگران به دنبال پاسخ برای این سؤال باشند که آیا





دلبستگی بین خواهران و برادران نیز وجود دارد؟ مطالعات انجام شده صحت این امر را نشان داده و مشخص کرده است که کودکان خردسال به هنگام دوری از خواهر یا برادر خود آشفته و از بازگشت آنان خشنود می‌شوند. در یک مطالعه از کودکان چهارده ماهه مشخص شده است که این کودکان به هنگام احساس ناراحتی به سوی خواهر یا برادر بزرگ‌تر خود می‌روند. خواهران و برادران بزرگ‌ترین در بیرون از خانه در حضور افراد غریبه از کودک خردسال حمایت می‌کنند.

کودکان بزرگ‌تر همچنین می‌توانند در نقش معلم کودکان خردسال عمل کنند و به صورتی مؤثر به آنان چیزهایی بیاموزند. آنان به کودکان خردسال تراز خود مهارت‌های جسمانی، بازی‌ها، استفاده از اسباب‌بازی‌ها، نام‌ها، واژه‌ها و اعداد را می‌آموزند (کرباسی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۳ و ۲۹۴).

علاوه بر این، یکی از جنبه‌های رشد شخصیت کودک، تولد فرزند جدید است؛ چرا که ممکن است آغاز حسادت کودک بزرگ‌تر باشد. به همین منظور بحث تعارض بین خواهران و برادران حائز اهمیت است. تعارض نه تنها طبیعی است؛ بلکه عامل محرک برای رشد کودکان است. تعارض باعث چالش در مسیر رشد کودک می‌شود و کودک برای حل آن باید از مهارت‌های شناختی و رفتاری خود استفاده کرده و هیجان‌های منفی‌اش را کنترل کند و بدین صورت رشد او در ابعاد مختلف بهبود می‌یابد. اما گاهی کودکان از عهده حل این چالش‌ها بر نیامده و نیاز به کمک دارند.

یکی از راه‌حل‌های رفع این حسادت و تعارض‌ها این است که وقتی کودکان با یکدیگر مشکل پیدا می‌کنند، بزرگ‌ترها دخالت نکنند تا خودشان مشکل را حل کنند. مورد بعد آن است که بین کودکان نباید قضاوت شود و نباید والدین

به دنبال مقصر بگردند (صالحی، ۱۳۹۷، ص ۱۶۳).

ج) بزرگسالان

گروه دیگری که کودکان با آنها هم‌بازی می‌شوند، بزرگ‌ترها هستند. بخشی از قدرت خانواده این است که تیمی حاضر و آماده است. بیشتر والدین می‌دانند، ایجاد روحیه تیمی و درخواست کارکردن با یکدیگر و رسیدن به هدفی مشترک، کار سختی است. کودک برای نخستین بار با بقیه کارکردن، کنار آمدن، شریک شدن و همیشه اول نبودن را در خانواده تجربه می‌کند و یاد می‌گیرد که خواسته‌های شخصی خود را برای خواسته‌های گروهی کنار بگذارد و برای موفقیت در مدرسه و در روابط و در دنیای کار، یادگرفتن همکاری برای او مهارتی ارزشمند است (الیسون و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۳۴). اما هنگامی که والدین به کاری مشغول هستند معمولاً می‌خواهند فرزندان خود را سرگرم کنند، اگرچه که بازی کردن کودکان به طور مستقل اهمیت دارد؛ ولی آنان عاشق بازی با والدین خود هستند و نسبت به آن اشتیاق دارند و همان‌طور که گفته شد، همین امر فرصت خوبی را برای والدین در زمینه شناخت بهتر کودک و آموزش صحیح مهارت‌ها ایجاد می‌کند. علاوه بر این، بیان نکات شخصیتی و آموزشی در طول بازی به فرزند مزایای بیشتری دارد (www.namnak.com).

خانواده، یکی از عوامل بسیار مهم در رشد و پرورش خلاقیت کودکان به شمار می‌آید. از آنجاکه کودک حساس‌ترین مراحل رشد خلاقیت خود را در محیط خانه سپری می‌کند، لذا محیط خانوادگی مناسب، بازی با کودک و نگرش‌های صحیح فرزندپروری، در رشد و شکوفایی خلاقیت کودک بسیار سهیم هستند (





(www.beytoote.com).

علاوه بر پرورش خلاقیت، بازی با کودکان موجب شکوفایی استعدادهای نهفته در کودک می‌شود. والدین با اهمیت دادن به بازی کودکان خود و ایجاد شرایط مناسب برای بازی و شرکت در آن به عنوان هم‌بازی، بستر مناسبی برای پرورش استعدادهای دل‌بند خود فراهم می‌آورند.

آنان باید کاری کنند که بازی به صورت تجربه‌ای لذت‌بخش در ذهن کودک باقی بماند؛ زیرا زندگی کودک در بازی نقش واقعی به خود می‌گیرد. آنان نباید زمانی که به عنوان هم‌بازی قرار می‌گیرند، خواست و اراده خود را به کودک تحمیل نمایند، بلکه لازم است به عنوان هم‌پا و هم‌ردیف او باشند (www.hawzah.net). بازی والدین با کودک فواید و اهمیت‌های زیادی هم برای کودک و هم خود والدین دارد، از جمله:

• پیوند عاطفی را بهبود می‌بخشد: کودکان با برقراری رابطه و تعامل و بازی با والدین، روابط خود را شکل می‌دهند. در این زمان به والدین فرصتی داده می‌شود تا مسائل را از دیدگاه کودکان ببینند و کودک نیز در طول زمان بازی به والدین خود اعتماد کرده و می‌آموزد که چگونه با دیگران ارتباط برقرار کند.

• سرگرم‌کننده و لذت‌بخش است: والدین و کودکان در طول بازی قوانین بازی را فراموش می‌کنند و همین امر موجب لذت‌بردن هر دو آنها در بازی می‌شود. وقتی پدر و مادر چند لحظه‌ای کار را رها کرده و فقط برای سرگرمی بازی می‌کنند، از گذراندن وقت با کودک خود لذت برده و در نتیجه باعث کاهش اضطراب در کودک و خودشان می‌شوند.

• موجب رشد مهارت می‌شود: بازی و تعامل داشتن با کودکان مانند خیلی



از روش‌های دیگری به آنها می‌آموزد تا مهارت‌های اجتماعی خود را رشد دهند. به عنوان مثال، تظاهر والدین به بازی مانند بازی در آشپزخانه به آنها کمک می‌کند که بتوانند چگونه با موقعیت‌های تنش‌زا کنار بیایند. همچنین باعث افزایش عزت نفس در کودک می‌شود و به او کمک می‌کند تا نقش خود را در جهان بهتر درک کند (www.namnak.com).

بچه‌ها در سنین کودکی به شدت از رفتار والدین خود الگو می‌گیرند. والدین با بازی با کودکان به طور غیرمستقیم به آنها نشان می‌دهند که فعالیت فیزیکی، به خصوص بازی برایشان اهمیت دارد و همین امر موجب القای حس اهمیت به کودک می‌شود. در صورتی که والدین با کودک خود بازی نکنند، باید منتظر ناسازگاری او باشند. اگر می‌خواهند کودکشان دست از ناسازگاری بردارد، باید نیاز به بازی را برطرف کنند (صالحی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۴).

بنابراین، یکی از هم‌بازی‌های اصلی که کودک اولین تعاملات خود را با او دارد، پدر و مادر هستند. شاید از نظر این دو، بازی با کودک اهمیت چندانی نداشته باشد، ولی در نگاه کودک این مسئله بسیار مورد اهمیت است. کودکانی که بازی با هر دو نوع والدین خود را دارند در مقایسه با کودکانی که فقط یک نوع را تجربه می‌کنند، بسیار موفق‌تر در مسئله اعتماد به نفس و رشد شخصیت هستند.

والدین علاوه بر سهیم شدن در بازی کودکان و قرارگرفتن به عنوان هم‌بازی می‌توانند کودکان خود را در انتخاب هم‌بازی یاری کنند. یکی از روش‌هایی که والدین توسط آن می‌توانند در انتخاب هم‌بازی برای کودک خود شریک باشند این است که کودک خود را بیرون ببرند تا با طبیعت و کودکان دیگر آشنا شود. کودکانی که همراه والدین خود بیرون می‌روند و سرگرم بازی می‌شوند، به پدر و مادر خود این



فرصت را می دهند تا با والدین اطفال دیگر آشنا شوند و با یکدیگر به گفت و گو بپردازند و غیرمستقیم فرزندان خود را زیر نظر بگیرند. این کار هم به نفع کودک است، هم به نفع والدین، کودک نوپا در عین حال که از آنها دور نشده است تا حدی استقلال را تجربه می کند. او با خوشحالی بازی می کند و از بودن در کنار کودکان دیگر لذت می برد. کودکان معمولاً از راه های عجیب و غریبی مانند: گازگرفتن، لگدزدن، هل دادن و گرفتن اسباب بازی های دیگران خوشحالی خود را نشان می دهند. کودک در بازی های گروهی چند بازی ساده و آموخته یاد می گیرد. از سوی دیگر، لازم نیست مادر، خانه نشینی اختیار کند و از ملاقات مردم محروم بماند. او مشکلات مادران دیگر را می شنود و با تجربیات آنان آشنا می شود و بازی های تازه و راه های مختلف مراقبت از کودک را یاد می گیرد (کرین، ۱۳۸۵، ص ۳۷۷).

وجود هم بازی به خصوص از میان همسالان برای طفل ضروری است و پدر و مادر باید فرزند را در انتخاب دوست و هم بازی یاری کنند. کودکان به هنگام بازی با همسالان از حالت خودمحوری خارج شده و واقع گرا می شوند، به امیال و خواسته های دیگران توجه کرده و در نتیجه در این ارتباط متقابل چیزهای زیادی به همدیگر می دهند. این مهم است که رفتار هم بازی های کودک تأثیر بد بر روی او نداشته باشد و رفتار و اخلاق هم بازی ها، مخالف روش و رفتار مورد نظر والدین نباشد. چه بسیار هم بازی هایی که حاصل زحمات چندساله والدین را در تربیت به هدر می دهند؛ بنابراین بازی کودک با همسالان نیز حتماً باید با نظارت بزرگ ترها همراه باشد.

در انتخاب هم بازی برای طفل، والدین باید نقش راهنما و جهت دهنده



داشته باشند و مخصوصاً مراقب باشند که تفاوت سن کودک و هم‌بازی‌هایش بسیار نباشد. شایسته نیست کودک، اوقات بازی خود را با کسانی سرکند که در سنین بلوغ و نوجوانی هستند. امام حسن مجتبی علیه السلام در سفارشی به فرزند خود می‌فرماید: «فرزندم، با کسی دوستی مکن مگر زمانی که نحوه معاشرت او را بشناسی، پس هرگاه او را صالح یافتی و معاشرت با وی را پسندیدی با او طرح دوستی بریز و بر لغزش‌هایش چشم‌پوش و هنگام گرفتاری یاری‌اش کن» (مجلسی، ۱۴۱۴ ه.ق، ص ۱۰۵).

با ورود فرزندان به مدرسه، پدر و مادرها با والدین دیگر آشنا خواهند شد. طرح برنامه‌ای که همه بتوانند یکدیگر را ملاقات کنند، اقدامی اساسی برای ایجاد یک دوستی جدید است. برای کودکی که در دوست‌یابی مشکل دارد، اطمینان از حمایت پدر و مادر مهم‌ترین عامل ایمنی بخشی است که کودک نیاز دارد. اگر بعد از ایجاد زمینه برای کسب تجارب مثبت و شناسایی و تصحیح رفتارهای نامطلوب باز هم کودکی در دوست‌یابی مشکل داشته باشد، برای آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباط با دیگران به او می‌توان از مشاور کمک گرفت.

بعضی از کودکان استعداد ذاتی در دوست‌یابی دارند. این ویژگی صفت بدی نیست. کودکی که بیش از حد متمایل به دوستانش باشد، والدین را نگران خواهد کرد؛ چرا که کنترل چنین شرایطی برای کودکی که نمی‌داند چگونه با این ویژگی خود کنار آید، دشوار است. در این حالت، باید به کودک تفهیم کرد که هر چند محبوب بودن و قدرشناسی از دوستان، صفت خوبی است، اما انسان مجبور نیست با همه بازی کند یا همه دعوت‌های دوستی را بپذیرد. بعضی از کودکان برای رد یا قبول دعوت‌های دوستی از جانب همسالان نیاز به کمک بیشتری از سوی بزرگسالان



دارند (وایت، ۱۳۸۷، ص ۹۰ و ۹۱).

۳- آسیب شناسی

پیش‌تر در بحث هم‌بازی‌ها گفته شد که اگر کودک با والدین خود یا همسالان تعامل نداشته باشد و یا بازی نکند، دچار ناسازگاری‌هایی خواهد شد. علاوه بر ناسازگاری، پرخاشگری و انزوای کودک نیز از آسیب‌های این مهم به شمار می‌آیند.

انزوای کودک

از میان همه آسیب‌هایی که کودک را در تنهایی و تعامل نداشتن با سایر کودکان تهدید می‌کند، انزوای کودک از مهم‌ترین آسیب‌هاست. این بحث به طوری اهمیت دارد که امروزه یکی از مشکلات اساسی خانواده‌ها به شمار می‌آید. کودکانی که با سایر کودکان کنش متقابل ندارند، از لحاظ اجتماعی منزوی‌اند و غالباً دچار کمبود توانش اجتماعی و اعتماد به نفس هستند. در ضمن ممکن است دانش شناختی اجتماعی نداشته باشند و ندانند چگونه مقاصد دیگران را دریابند. به همین دلیل، به موضوع بازی و وجود هم‌بازی برای کودک بسیار تأکید شده است؛ چرا که بازی یکی از جنبه‌های مثبتی که دارد این است که از منزوی شدن، تنها بودن و افسردگی کودکان مخصوصاً در بازی‌های جمعی جلوگیری می‌کند.

با این حال روش‌های بسیاری برای کمک به کودکان منزوی در کسب مهارت‌های اجتماعی و معاشرتی شدن وجود دارد. گاهی بهتر است آنها را به



میان جمع کوچک‌تر و در کنار بچه‌های کم‌سن و سال ببریم و یا آن را در فعالیت‌های سازمان‌یافته شرکت دهیم. همچنین به همسالان کودک می‌توان آموزش داد تا به کودکان منزوی کمک کنند تا بیشتر با دیگران تبادل داشته باشند. گاهی تشویق و تقویت از سوی همسالان مؤثرتر از دخالت‌های بزرگسالان است. وقتی که بزرگسالان درکنش متقابل کودکان شرکت می‌کنند، حتی وقتی که کودکان را به خاطر اینکه خوب با هم‌بازی می‌کنند تشویق می‌کنند، ارتباط بین کودکان کمتر می‌شود و توجه ایشان به سمت بزرگسال جلب می‌شود (ماسن و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۴۶۶).

شایان ذکر است از آنجاکه یکی از گروه هم‌بازی‌ها را، خواهران و برادران تشکیل می‌دادند، تک‌فرزندی پدیده‌ای است که به انزوای کودک دامن می‌زند و آن را تشدید می‌کند؛ چون در وهله اول قبل از هر گروه دیگری، هم‌بازی‌های درون خانواده یعنی خواهر و برادر و والدین، نیاز کودک به تعامل و بازی را رفع می‌کنند. لذا در نبود هم‌بازی در درون خانواده، کودک دچار انزوا شده و یا به سمت بازی‌های رایانه‌ای گرایش پیدا می‌کند. امروزه مسئله جلوگیری از بچه‌دار شدن و یا لااقل تک‌فرزندی، از مباحثی است که در جوامع غیردینی مورد توجه جدی نهادها و سازمان‌ها است و با موضوع کودک مناسبت دارد. هرچند رشد جمعیت و وجود نیروی انسانی کافی، به خودی خود از نظر اقتصادی، مهم ارزیابی می‌شود و می‌تواند در بالابردن وزنه اقتصادی کشورها مؤثر واقع گردد. اما از نظر روان‌شناسی موضوع بچه‌دار شدن بیشتر از این نظر مهم است که سلامتی جسمی و روحی کودکان در چه وضعیتی قرار می‌گیرد؟ آیا اساساً پدر و مادر آمادگی روحی و روانی و جسمی برای یک یا چند فرزند را دارند یا خیر؟

البته این نکته نباید فراموش شود که در جوامع غربی با توجه به نکاتی که درباره



ازدواج آزاد وعدم پابندی به خانواده مطرح هست، امروزه اغلب زوج‌ها، به‌ویژه جوانان ترجیح می‌دهند بدون فرزند زندگی خود ادامه دهند که البته متأسفانه این فرهنگ کم‌وبیش در میان جوامع شرقی و حتی ایران اسلامی نیز وارد شده و در حال گسترش است (رضایی، ۱۳۸۹، ص ۷۲). درحالی‌که در دین مبین اسلام بسیار به مسئله فرزندآوری تأکید شده است.

امام هادی علیه السلام در سفارشی به مردی که ۵ سال از فرزند داشتن جلوگیری کرده بود می‌فرماید: «أُطْلِبَ الْوَلَدَ فَأَنَّ اللَّهَ يَرْزُقُهُمْ»؛ جلوگیری را ترک کن؛ و فرزنددار شو که خداوند روزی را تأمین می‌کند. (الحر العاملی، ۱۴۱۴ه.ق، ج ۱۵، ص ۹۶).

همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی فرمودند: «تَزَوَّجُوا السَّودَاءَ وَلَوْ دَأْفَانِي أَبَاهِي بِكُمُ الْأُمَمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ با زن سیاه چهره قابل حمل ازدواج کنید چرا که من در روز قیامت به امت خود افتخار می‌کنم (همان، ج ۲۰، ص ۵۴).

یکی از آسیب‌های تک‌فرزندی آن است که اضطراب روحی زیادی به والدین نیست به سلامت و حفظ تنها فرزندشان وارد می‌آید. ضمن آنکه خود فرزند نیز به دلیل محبت‌ها و حمایت‌های افراطی والدین از یک سو و سخت‌گیری‌ها و کنترل بیش از حد از سوی دیگر، دچار مشکلات روحی می‌شود. همچنین موقعیت رقابت کمتری با همسن و سالان خود پیدا می‌کند. در این خانواده‌ها، فرزندسالاری مانع شکل‌گیری شخصیت فعال فرزند می‌شود، به همین دلیل گرایش به انزوا و افسردگی در وی بیشتر احساس می‌شود و در برقراری ارتباط مناسب با همسالان خود دچار ضعف می‌شود. همین امر مانعی برای رشد شخصیت و خلاقیت او به طور صحیح می‌شود.



گرچه نظریه اولیه اسلام، کثرت جمعیت است، اما درباره تعداد فرزندان نظر خاصی ارائه نشده است؛ چراکه هر خانواده به مقتضای شرایط خود و یا توان جسمی مادر، می‌تواند تصمیم مناسب را اتخاذ نماید. اما از نظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی تربیتی، می‌توان گفت: میانگین مناسب برای هر خانواده در شرایط امروز ۴ الی ۵ فرزند است. این تعداد فرزند علاوه بر آن که می‌تواند مشکل به وجود آمده در خصوص پیری جمعیت و خطر تبدیل شدن اکثریت به اقلیت را در آینده جبران کند، از نظر تربیتی نیز بسیار مؤثر است، چراکه بین فرزندان الفت و صمیمیت خاصی ایجاد می‌نماید و فرزندان نیاز به بازی و داشتن هم‌بازی را در درون خانواده رفع می‌کنند (فولادی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۶).

تعداد قابل توجه خواهران و برادران به صورت طبیعی نوعی نظارت غیرمحسوس و مراقبتی خاص در رفتار افراد خانواده ایجاد می‌کند که می‌تواند بسیاری از مشکلات اخلاقی را برطرف نماید. همچنین در خانواده‌های پرجمعیت، همبستگی بین اعضای خانواده، بیشتر است و کودکان نیز، همیشه هم‌بازی دارند و از آسیب‌هایی مانند تنهایی و منزوی شدن و ... در امان هستند. خواهر و برادر پس از والدین، در شخصیت و رفتارهای اجتماعی یکدیگر بیشترین تأثیر را دارند، و از یکدیگر برخی الگوهای رفتاری چون: وفاداری، حمایت، اختلاف، تسلط جویی و رقابت را می‌آموزند. در صورتی که خواهران و برادران در یک خانواده، از الگوهای رفتاری مناسب بهره‌مند باشند، به افرادی قابل اعتماد و سرچشمه اتکای روحی همدیگر تبدیل می‌شوند، نوعی صمیمیت ویژه میان آنها ایجاد می‌شود، همدیگر را محرم راز خود می‌دانند و با سهولت بیشتری مسائل خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند و یاریگر یکدیگرند و از انزوا و تنهایی نجات می‌یابند و



اما مناسب‌ترین فاصله بین کودکان صرف‌نظر از شرایط خاص و مربوط به هر خانواده، ۳ تا ۴ سال است. در چنین حالتی، کودکان برای یکدیگر نقش بهترین و سالم‌ترین هم‌بازی را ایفا می‌کنند و نوع تعاملی که بین یکدیگر برقرار می‌کنند، موجب رشد شخصیتی آنها نیز خواهد شد. تجربه نشان داده فرزندانی که فاصله سنی زیادی با یکدیگر دارند درک صحیحی از نقش خواهر و برادری ندارند و هرکدام برای خود یک تک‌فرزند محسوب شده و در بازی‌های یکدیگر مشارکت زیادی ندارند (همان، ص ۱۴۷).

بنابراین، مسئله وجود هم‌بازی به‌خصوص در درون خانواده از مسائل مهمی است که در رشد خلاقیت و شخصیت و همچنین سلامت روان و رابطه اجتماعی کودک تأثیرات فراوانی را می‌گذارد. لذا با توجه به اهمیت این مسئله بسیار تأکید شده است که از افزایش و گسترش خانواده‌های تک‌فرزند جلوگیری شود.

نتیجه‌گیری

عنوان مقاله حاضر «نقش هم‌بازی در رشد شخصیت و خلاقیت کودک» است که در آن به بررسی لزوم تعامل اجتماعی و یا همان بازی برای کودک و معرفی انواع هم‌بازی و تأثیراتی که هریک از این گروه‌های هم‌بازی در شخصیت و خلاقیت کودک می‌گذارند. همچنین مسئله آسیب‌های نبود هم‌بازی پرداخته شده است. همین‌طور به اهمیت وجود این هم‌بازی در درون خانواده و مشکلات مربوط به خانواده‌های تک‌فرزند مطالبی بیان شد که به نتایج زیر رسیدیم:



۱. لزوم هم‌بازی و داشتن تعاملی اجتماعی از مسائل بدیهی است که در قرآن و روایات بسیار به آن تأکید شده است.
۲. کودک با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های مربوط به هر سن از دوره کودکی خود، هم‌بازی‌های متفاوتی را انتخاب می‌کند.
۳. علاوه بر بازی با همسالان، بازی با والدین از مباحثی است که بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که اگر به طور کامل این نیاز رفع نشود سبب بروز بسیاری از اختلالات شخصیتی و ناسازگاری در فرد خواهد شد.
۴. یکی از آسیب‌های نبود هم‌بازی، انزوا و افسردگی کودک است که بیشتر شامل خانواده‌های تک‌فرزند می‌شود.
۵. سرانجام مهم آن است که همان‌طور که به نیازهای جسمانی و مالی کودک توجه می‌شود، به نیازهای عاطفی و روانی او مخصوصاً نیاز به وجود هم‌بازی توجه شود، زیرا بازی و داشتن هم‌بازی موجب شکوفایی استعدادهای نهفته و بروز خلاقیت در کودکان می‌شود و چه بسا بهتر اینکه این نیاز در درون خانواده و با وجود برادران و خواهران رفع شود تا کمتر شاهد بروز خانواده‌های تک‌فرزند باشیم.



منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۳
۲. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، نشر سخن، ۳۸۱
۳. بیابانگرد، اسماعیل، روش‌های افزایش اعتماد به نفس در کودکان و نوجوانان، تهران، نشر انجمن اولیا و مربیان، چاپ دهم، ۱۳۹۰
۴. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، عبدالرسول پیمانی و محمد امین شریعتمداری، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ دوم، ۱۳۶۲
۵. ثروت، منصور؛ را مروری، غیاث الدین محمد، غیاث اللغات، تهران، نشر امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۸۸
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، نشر آل البيت، ۱۴۱۴
۷. دهخدا، علی اکبر و دیگران، لغت نامه دهخدا، تهران، نشر روزنه و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تهران، نشر صادق، ۱۳۸۷
۹. رضایی، علی اکبر، روان‌شناسی کودک (مقایسه دیدگاه اسلام و غرب در روان‌شناسی رشد)، یزد، نشر کوثر هدایت، ۱۳۸۹
۱۰. سره، صغری، روش فعال در کودکان، تهران، نشر ندا، ۱۳۷۲
۱۱. سلیمانی، افشین، کلاس اخلاقیت (تمرینات و روش‌های علمی پرورش اخلاقیت برای معلمان و مربیان)، تهران، نشر اولیا و مربیان، چاپ دوم، ۱۳۸۴
۱۲. شریعتمداری، علی، روان‌شناسی تربیتی، تهران، نشر امیرکبیر، چاپ هجدهم، ۱۳۸۵



۱۳. شعاری نژاد، علی اکبر، روان‌شناسی رشد، تهران، نشر اطلاعات، چاپ بیستم، ۱۳۹۲
۱۴. صالحی، مبین، روان‌شناس کودک خود باشید (ویژگی‌ها و نیازها و مسائل کودکان سه تا شش سال)، قم، نشر مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۷
۱۵. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، نشر امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۷۵
۱۶. فولادی، مجید، کاهش جمعیت آخرین راهبرد غرب، قم، نشر رشید، چاپ پنجم، ۱۳۹۳
۱۷. کرباسی، منیژه، روان‌شناسی رشد، تهران، نشر دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۸۸
۱۸. کریمی، یوسف، روان‌شناسی شخصیت، تهران، نشر ویرایش، چاپ یازدهم، ۱۳۸۵
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، مصحح: سید جواد مصطفوی، تهران، نشر الوفا، ۱۳۸۲
۲۰. گرین، کریستوفر، رام کردن کودکان نوپا: راهنمایی برجای ماندنی برای مادران و پدران، ترجمه: نفیسه معتکف، تهران، نشر نسل‌نواندیش، چاپ دوم، ۱۳۸۵
۲۱. ماسن، پاول هنری و دیگران، رشد و شخصیت کودک، ترجمه: مهشید یاسانی، تهران، مرکز نشر کتاب ماد، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۰
۲۲. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن اقوال و افعال، بیروت، نشر الرساله، ۱۴۱۳
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، نشر دارالفکر، ۱۴۱۴
۲۴. مشکینی، میرزا علی، مصطلحات الفقه، قم، نشر دارالحدیث، ۱۳۹۳
۲۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، نشر زرین، چاپ سوم، ۱۳۸۶
۲۶. وایت، مارتی، کلیدهای رفتار با کودک پنج‌ساله، ترجمه: اکرم کرمی، تهران، نشر



صابرین، چاپ پنجم، ۱۳۸۷

۲۷. الیسون، شیلا و دیگران، ۳۶۵ راه برای پرورش فرزندان فوق العاده، ترجمه:

لاله مهدی نژاد، تهران، نشر مه‌رسا، ۱۳۹۴

۲۸. نشریه پیوند، «روان‌شناسی کودک»، سایت: www.magpayvand.ir

- ۲۹. www.abadis.ir
- ۳۰. www.fa.wikipedia.org
- ۳۱. www.wikigoo.ir
- ۳۲. www.namnak.com
- ۳۳. www.beytoote.com
- 34. www.hawzah.net